

❖ **دسته دوم روایت تحریم غنا** (دسته اول را در صفحه ۱۷۰ ذکر کردیم)

بعد از بررسی دسته اول که در آنها غنا به صورت مطلق مورد اشاره قرار گرفته بود، به بررسی دسته دوم

که غنا همراه با ساز (یا: موسیقی) مورد حکم واقع شده است، اشاره می کنیم.

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْبُرْبُطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَضَعَ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عُضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْخَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَهَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ»^۱

یغار: غیرت داشتن / قفندر: (معنای لغوی:) قبیح المنظر او ضخیم الرجل)

ما می گوئیم:

روایت درباره دخول رجال بر «بیت الغناء» است و به صراحت از مجالس لهو لعب سخن می گوید در این باره در «بیت الغناء» سخن گفتیم و گفتیم محل آماده برای این کار بوده است و این روایت معلوم می کند که این منازل محل رفت و آمد مردان و حضور زنان مغنیه در نزد آنها بوده است.

۲. «وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ قَالَ: مَنْ ضُرِبَ فِي بَيْتِهِ بِرَبْطٍ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ فَلَا يَبْقَى عُضْوٌ مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ وَ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ لَأَ مَا قِيلَ فِيهِ»^۲

ما می گوئیم: درباره این روایت، مطالب ذیل روایت بالا، جریان دارد.

۳. «وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَزَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كَلَيْبِ الصَّيْدَاوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ضُرِبَ الْعِيدَانِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْخُضْرَةَ»^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.



ما می گوئیم: قبلا درباره رابطه نفاق و غنا سخن گفتیم.

۴. «وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ حَبِيبٍ عَنْ عَلِيِّ

بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَا يُقَدَّسُ اللَّهُ أُمَّةً فِيهَا بَرَبُطٌ يُفَعِّعُ وَ نَايَةٌ تُفَجِّعُ.»^۱

يُفَعِّعُ: (فَعَقَعَ السِّلَاحَ: اسلحه صدا کرد. فَعَقَاعُ: اسم صوت، وقتی می خواهند صدای یک آلت موسیقی یا آلت حرب را بیان کنند) نَايَةٌ: نی (در برخی از نسخ کافی «فایه» به معنای «ضرب» و در برخی دیگر «تائه» به معنای کسی که خودستایی می کند.

تُفَجِّعُ: غمگین کند، دل کسی را به درد آورد.

ما می گوئیم: تقدیس نکردن، ملازم با حرمت نیست، ضمن اینکه اگر مطابق کلام وافی مشی کنیم، معنای فراز آخر چنین می شود: «کسی که با خودستانی دل دیگران را به درد می آورد.» اگر چنین گفتیم، معنای روایت با آنچه در بحث نیاچه گفتیم سازگار است.

۵. «وَعَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمَّا مَاتَ آدَمُ شَمِتَ بِهِ إِبْلِيسُ وَقَابِيلُ فَاجْتَمَعَا فِي الْأَرْضِ فَجَعَلَ إِبْلِيسُ وَ

قَابِيلُ الْمَعَازِفَ وَالْمَلَاهِيَّ شَمَاتَةَ بِآدَمَ ع فَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ هَذَا الضَّرْبِ الَّذِي

يَتَلَدَّدُ بِهِ النَّاسُ فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ ذَلِكَ.»^۲

مَعَازِفَ: آلات لهو، تنبور.

ما می گوئیم: روشن است که این روایت دال بر حرمت این وسیله ها نیست بلکه آنچه حرام است و فعل ابلیس است «شماتت» است.

۶. «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَهَاكُمُ عَنِ الزَّفَنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَاتِ وَالْكَبْرَاتِ.»^۳

زَفْنٌ: رقص / **كُوبَةٌ:** طبل باریک، قمار با نرد و ورق. / **كَبْرَاتٌ:** طبل های بزرگ.



۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.





ما می گوئیم: درباره نواهی پیامبر گفتیم که مجموعه ای از دستورات بوده است که در میان آنها مکروهات هم بوده است همچنین تناسب ذکر زدن طبل ها (که اصلا در جنگ ها لازم بوده است) هم چنان است که حکم را مربوط به مجموع بدانیم یعنی اگر همه با هم بودند، حکم بر آنها مترتب است.

۷. «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَجَاءَ عِنْدَ تِلْكَ النِّعْمَةِ بِمِرْمَارٍ فَقَدْ كَفَرَهَا الْحَدِيثُ.»^۱

ما می گوئیم: درباره این حدیث در بیان دسته اول سخن گفتیم.

۸. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنْسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ ص لِعَلِيٍّ ع قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ يُقَسِّينَ الْقَلْبَ اسْتِمَاعُ اللَّهْوِ وَ طَلَبُ الصَّيْدِ وَ إِتْيَانُ بَابِ السُّلْطَانِ.»^۲

یُقَسِّينَ: قساوت قلب می آورد.

ما می گوئیم: عطف «طلب صید» روشن می کند که حکم تحریمی نیست، ضمن آنکه «ایجاد قساوت قلب» قطعاً حرام نیست.

۹. «وَفِي الْمُقْنَعِ قَالَ: وَ اجْتَنِبِ الْمَلَاهِيَّ وَ اللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَ الْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ كُلَّ قِمَارٍ فَإِنَّ الصَّادِقِينَ ع نَهَوْا عَنْ ذَلِكَ.»^۳

ما می گوئیم: فضای روایت مربوط به قمار است و به قرینه ذیل، ملاهی به معنای آلات قمار است.

ضمن اینکه روایت مرسله است، اضمحلالی که این مطلب ممکن است استفاده صدوق از مجموع روایات باشد و نه اینکه روایت مستقل باشد.

۱۰. «وَفِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو الْبَصْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاعِظِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَاعِ فِي حَدِيثِ الشَّامِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَنْ مَعْنَى هَدِيرِ الْحَمَامِ الرَّاعِيَّةِ قَالَ تَدْعُو عَلَى أَهْلِ الْمَعَارِفِ وَ الْمَرَامِيرِ وَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴.



الْعِيدَانِ»^۱

راعی: یک نوع از کبوتر (مونث: راعیه)

هدیر: بانگ و آواز کبوتر / ... دعی علی...: کبوتر مذکور نفرین می کند اهل معارف را.

ما می گوئیم: این روایت نمی تواند حرمت را ثابت کند.



دین خارج فقه ائمه سید حسن خمینی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴.

